

تحلیل انتقادی استعاره: نمود نظام‌مند ایدئولوژی

کامران شکیبا*

چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی هدف اصلی خود را روشن کردن گفتمان به‌منظور دست‌یافتن به روابط پنهان قدرت اعلام می‌کند. استعاره در تحلیل انتقادی به‌دلیل ویژگی‌های متقاعدسازی بالا نقشی کلیدی ایفا می‌کند. در این تحلیل سعی شد تا برپایه مدل تحلیل چارتریس بلک به تحلیل انتقادی استعاره در متون سیاسی روزنامه‌های متقابل مردم‌سالاری و کیهان در ایران و روزنامه‌های میرر و تلگراف در انگلستان پرداخته شود تا وجوه اشتراک و افتراق میان استعاره‌ها و استعاره‌های مفهومی به‌کاربرده شده در رسانه‌های احزاب مهم سیاسی در ایران و انگلستان مشخص شود. به‌منظور پاسخ‌دادن به این سؤال، بخش‌های سیاسی این روزنامه‌ها با در نظر گرفتن دال‌های مرکزی هر حزب با محوریت تمرکز بر پنج حوزه مبدأ تنازع، ساختمان، سفر، مذهب، و گیاهان تحلیل شد. در این تحلیل معلوم شد که چگونه احزاب متفاوت واقعیت سیاسی یکسانی را به‌دلیل شرایط ایدئولوژیک متضاد به‌صورت متفاوتی مفهوم‌سازی می‌کنند و از استعاره‌ها برای متقاعد کردن مخاطب و انتقال ایدئولوژی خود استفاده می‌کنند. این تحلیل در روشن کردن روابط پنهان قدرت گامی بسیار مؤثر بود و نگاه انتقادی و تلفیقی نسبتاً جدیدی را به کاربرد استعاره در متون معرفی کرد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، استعاره، ایدئولوژی، میرر، تلگراف، کیهان، مردم‌سالاری.

* دکترای زبان‌شناسی، دانشگاه تهران، Kamranshakiba1@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۰

۱. مقدمه

تحلیل گفتمان انتقادی (Critical Discourse Analysis (CDA)) در تلاش برای آشکارکردن رابطه متن و ایدئولوژی بوده است. تحلیل گفتمان از بدو پیدایش همواره درصدد بوده تا نشان دهد که هیچ متن یا گفتاری بی‌طرف نیست، بلکه به موقعیتی خاص وابسته است. این امر ممکن است کاملاً ناآگاهانه و غیرعامدانه باشد. از سؤالات اساسی این نوع از تحلیل این بوده است که چرا تولیدکنندگان نوع خاصی از کلمات و ساختارها را به‌جای انواع دیگر ترجیح می‌دهند و به‌شیوه خاصی به‌کار می‌برند (Van Dijk 1993: 252).

رکن اصلی تحلیل گفتمان انتقادی، که از زبان‌شناسی شناختی انتقادی در اواخر ۱۹۷۰ سرچشمه می‌گیرد، این است که گفتمان آن‌چنان‌که می‌نماید و محققان تصور می‌کنند خستی نیست. تحلیل گفتمان انتقادی درصدد است تا با کمک ابزار زبان‌شناختی و با درنظرگرفتن بافت اجتماعی و تاریخی، ایدئولوژی پنهان در متن را آشکار کند تا به روابط چندگانه میان زبان، قدرت، و ایدئولوژی بپردازد. سی.دی.ای عمدتاً درصدد ایجاد و افزایش سطح آگاهی ما از روابط اجتماعی است که با زبان ظهور پیدا می‌کنند و هدف از این آگاهی توانایی برای تغییر است (Blommaert 2005: 87). فرکلاف (Fairclough 1989: 1) اهداف سی.دی.ای را چنین بیان می‌کند:

توجه به قدرت بسیار بالای زبان در تولید، تداوم، و تغییر روابط اجتماعی قدرت و افزایش سطح آگاهی از وجه تأثیر فوق‌العاده زبان در تسلط برخی افراد نسبت به برخی دیگر. فرکلاف معتقد است که آگاهی گام نخست رهاسازی مردمان است.

سی.دی.ای همواره بر پژوهش‌های التقاطی تأکید داشته است تا به فهم صحیح‌تری از چگونگی شکل‌دهی و انتقال دانش از طریق زبان، سازمان‌دهی نهادهای اجتماعی، یا به‌کارگیری قدرت با زبان دست یابد (بنگرید به وندایک (Van Dijk 2002)؛ گراهام (Graham 2002)؛ لمک (Lemke 2003)؛ مارتین (Martin 2002)؛ گی (Gee 2004)؛ بلومارت (Blommaert 2005)). در نتیجه سی.دی.ای از دستاوردهای علوم انسانی از قبیل روان‌شناسی، تاریخ، سیاست، جامعه‌شناسی، و زبان‌شناسی شناختی استفاده می‌کند.

زبان‌شناسی شناختی: از روش‌های بسیار رایج مفهوم‌سازی پیام‌ها استعاره است. رشته‌های گوناگونی تاکنون به مطالعه استعاره پرداخته‌اند، از قبیل رویکردهای سنتی که استعاره را به‌مثابه ابزار بلاغی در نظر می‌گرفتند که کارکردی زیباشناسانه داشت در مقایسه با رویکرد معناشناسی شناختی که استعاره را به‌مثابه نگاشت میان حوزه‌ها تلقی می‌کند که در

تمامی زبان و تفکر روزانه ما فراگیر است. از زمان اثر معروف لیکاف و جانسون، با نام *استعاره‌هایی که ما با آن‌ها زندگی می‌کنیم* (*Metaphors we live by*)، مطالعات درباره استعاره با استقبال فراوانی مواجه شده است. آن‌ها در این اثر، که به رویکرد معناشناسی شناختی معروف است، میان استعاره‌های روساختی و زبانی از یکسو و استعاره‌های مفهومی زیرین از سوی دیگر تمایز برقرار کردند (Lakoff and Johnson 1980). پیام اصلی این اثر این است که استعاره‌ها ابزار تفکر بشرند و استعاره‌های رویین و زبانی از طریق استعاره‌های زیرین برانگیخته می‌شوند و هم‌چنان‌که سانتا آنا (Santa Ana 2002: 29) می‌گوید: «تمرکز شناختیون بر جملات مستقل و مجزا نیست. هدف مطالعه هیچ‌یک از نمودهای زبانی استعاره نیست، بلکه تمرکز بر سر نگاشت میان حوزه‌های معنایی است».

زبان‌شناسی شناختی به ساختار عصبی انسان از وجه تأثیرات زبانی و شناختی می‌پردازد (Lakoff and Johnson 1999) و تمایل دارد که به‌مثابه بخشی از علوم دقیقه نگریسته شود و همواره وضعیت‌های اجتماعی - فرهنگی شناخت انسان و ارتباطات آن با گفتمان را نادیده گرفته است. در نتیجه، زبان‌شناسی شناختی همواره داده‌ها را به‌مثابه پدیده‌های خارج از بافت و خشی در نظر می‌گرفته است، اما تحلیل گفتمان انتقادی (سی.دی.ای) همواره به مسائل اجتماعی، نحوه شکل‌دهی و تأثیر گفتمان در مسائل اجتماعی، و تأثیرات بافتی در مطالعات علاقه نشان داده است (Van Dijk 1993: 252).

با وجود این، باید توجه شود که مثال‌های لیکاف و دیگر شناختیون از آن‌جاکه مستقل از بافت کاربرد تحلیل می‌شد، قابل‌استناد مطلق نبود و با سؤالات و گمانه‌زنی‌های متعددی مواجه بود (Fairclough 2013: 13).

نگاه کاربردشناسانه: بخش کاربردشناسانه مطالعه حاضر با استفاده از رویکرد کامرون پی‌گیری می‌شود. کامرون در رویکرد خود بر این باور است که استعاره به‌مثابه شاخه‌ای از زبان‌شناسی کاربردی در گفتمان است و از طریق دو عنصر اساسی عدم تجانس و امکان حل این عدم تناسب گفتمان شامل تعدادی قالب‌های بافتی از جمله قالب‌های فیزیکی، اجتماعی، تعاملی، زبانی، و مفهومی است که از طریق کاربرد زبان بروز پیدا می‌کند (Cameron 2003: 508). از منظر کامرون، استعاره به دو صورت زبانی و فرایندی است. درحالی‌که استعاره فرایندی به فعال‌سازی حوزه‌های استعاره اشاره دارد که امکان درک و حل عدم تجانس واقعی را برای مشارکان در گفتمان فراهم می‌کند. استعاره‌ها در گفتمان رده‌های باقی‌مانده از گفتار مجازی و غیراستعاره‌ای‌اند و فرض بر این نیست که استعاره نظام‌مند در گفتمان با استعاره مفهومی هم‌سویی دارد (Cameron 2008: 334). الگوهای

نظام‌مند کاربرد استعاره از طریق گردآوری استعاره‌های زبانی فردی استفاده‌شده در رخدادهای گفتمانی و تبدیل آن به حوزه‌های بزرگ‌تر به لحاظ ارتباط معنایی و تولید یک سطح گفتمانی ابراستعاره است که این مجموعه‌های تکامل‌یافته استعاره‌های حاصل از رخدادهای گفتمانی استعاره‌های نظام‌مند نامیده می‌شوند. پیوستگی میان استعاره‌های نظام‌مند انواع مختلف طرح‌واره‌ای، روایی، و مبتدا-خبری را دارد. استعاره‌های نظام‌مند سطح داخلی کاربرد استعاره را با سطح رخداد گفتمان متصل می‌کند و استعاره‌ها از طریق معانی اصلی یا غیراستعاری حوزه‌های مبدأ گروه‌بندی می‌شوند و استعاره‌های نظام‌مند از کنار هم قرارگرفتن استعاره‌ها در حوزه مبدأ تعریف می‌شوند که به موضوع یک‌سان مرتبط است (Cameron 2007: 201-206). در این رویکرد کاربرد و تغییر استعاره در گفتمان مبنای کار است و مطالعات گفتمان‌بنیاد درک و فهم جدیدی از ماهیت استعاره به دست می‌دهد که نظریه شناختی را تکمیل می‌کند و به چالش می‌کشد (ibid.: 321). بنابراین می‌توان گفت که استعاره نظام‌مند شامل مجموعه‌هایی از استعاره‌های زبانی مرتبط شامل قالب‌بندی استعاره‌ها درباره موضوع و ایده اصلی است.

رویکرد تلفیقی تحلیل انتقادی استعاره: مدتی است که نظریه‌هایی تلفیقی در حال شکل‌گرفتن است. بدین صورت که زبان‌شناسی شناختی توجه بیشتری به بافت و امور اجتماعی مبذول داشته است و سی.دی.ای نیز از نتایج مطالعات زبان‌شناسی شناختی در تحقیقات و روش‌های خود بهره می‌برد. تحلیل انتقادی استعاره نمونه‌ای است که در آن سی.دی.ای به تلفیق این دو نظریه پرداخته و رویکردی انتقادی اتخاذ کرده است.

استعاره در برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی ایدئولوژی‌ها در گفتمان نقش اساسی ایفا می‌کند و از این منظر استعاره در حال حاضر اهمیت ویژه‌ای در تحلیل گفتمان انتقادی پیدا کرده تا حدی که چارتریس-بلک (Charteris-Black 2004) تحلیل گفتمان انتقادی استعاره را مطرح کرده است.

چارتریس بلک رویکرد تحلیل انتقادی استعاره را مطرح می‌کند و در کتابش با عنوان *رویکردهای پیکره‌بنیاد به تحلیل انتقادی استعاره* (۲۰۰۴) به تلفیق چند رویکرد به منظور رسیدن به پاسخی درست‌تر از وجه آشکارسازی ایدئولوژی پنهان در استعاره‌ها می‌پردازد. این رویکرد با تلفیق سی.دی.ای، زبان‌شناسی پیکره‌ای، کاربردشناسی، و زبان‌شناسی شناختی افق‌های جدید را در سی.دی.ای و نظریه استعاره‌های مفهومی می‌گشاید تا به نیات پنهان تولیدکنندگان گفتمان دست یابد و روابط پنهان قدرت در بافت‌های اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی را آشکار کند.

از آن‌جاکه جنبه‌های مختلف حوزه مبدأ با چشم‌اندازهای ایدئولوژیک مختلف مطابقت دارد، در نظر گرفتن بافت، یعنی همان نگاه کاربردشناسانه، برای تبیین دلیل انتخاب استعاره‌ها ضروری می‌نماید؛ مثلاً طبق مطالعات انجام‌شده چارتریس بلک (Charteris-Black 2004: 19) در گفتمان سیاسی آمریکا استعاره‌های آتش و نور ارزیابی‌های مثبت‌اند، در حالی که گفتمان سیاسی بریتانیا از استعاره‌های گیاهان برای این کارکرد گفتمانی استفاده می‌کند و این مطلب با ارجاع به تحولات گذشته آمریکا و تجربه فرهنگی باغبانی بریتانیا قابل تبیین است. انگیزه فرهنگی، ایدئولوژیک، و عاطفی به‌منظور ترغیبی ساختن استعاره برای اهداف ارتباطی با یک‌دیگر ترکیب می‌شوند.

آن‌چنان‌که وی لی (Wee Lee 2016) می‌گوید و ما در آثار تحلیل انتقادی استعاره شاهدیم، رویکرد تحلیل انتقادی استعاره با استفاده از سه مرحله معروف فرکلاف به تحلیل انتقادی استعاره می‌پردازد. سطوح تحلیل انتقادی استعاره شامل توصیف، تفسیر، و تبیین استعاره است. رویکرد چارتریس - بلک درباره توصیف استعاره دو مرحله دارد: اول این‌که خوانش نمونه متون با هدف شناسایی استعاره منتخب انجام می‌شود و سپس این استعاره‌ها برحسب معیارهای توصیف استعاره یعنی حضور عدم تجانس یا تنش معنایی در سطوح زبانی، کاربردشناسی، و شناختی امتحان می‌شوند.

این پژوهش می‌تواند به‌دلیل راه‌کار جدید برای آشکارسازی ایدئولوژی پنهان در ورای استعاره‌ها در گفتمان‌ها خصوصاً رسانه‌ها بسیار حائز اهمیت باشد. بنابراین، با بررسی دقیق مسئله و کنکاش در متون رسانه‌ای می‌توان شیوه‌های متعدد تحلیل گفتمانی برای انواع استعاره‌ها در گفتمان‌های رسانه‌ای درباره پنهان‌سازی ایدئولوژی را ارائه کرد و به عینیت‌سازی ایدئولوژی‌ها در گفتمان‌های رسانه‌ای درباره پنهان‌سازی ایدئولوژی پرداخت تا مخاطبان رسانه از این شیوه‌ها به‌منظور فهم متون رسانه‌ای آگاهی داشته باشند.

در این پژوهش، هم‌گام با مطالعات اخیر تحلیل انتقادی استعاره، سعی بر آن است تا با رویکردی التقاطی و لحاظ‌کردن وجوه کاربردشناسانه، شناختی، و پیکره‌ای نگاهی انتقادی به استعاره‌های زبان فارسی و انگلیسی انداخته شود تا نقاط شباهت و تفاوت در کاربرد و نوع استعاره‌ها مشخص شود و بدین وسیله مشخص شود که چگونه رسانه‌ها با استفاده از استعاره‌ها با انتخاب هوشمندانه و هدف‌مند به جهت‌دهی ذهنی و حزبی به مخاطبان، متقاعدکردن، پوشاندن دسته‌ای از حقایق، و برجسته‌کردن دسته‌ای دیگر دست می‌یازند تا بدین وسیله ایدئولوژی مدنظر خود را تولید یا بازتولید کنند.

۲. روش‌شناسی

روش‌شناسی از نوع تحلیلی - توصیفی و کیفی است و داده‌های کمی به‌منزله شاهد و پیکره تحلیل به‌منظور پشتیبانی از استدلال‌ها در تحلیل به‌کار رفته است. بخش اول شامل روش گردآوری داده‌ها، جامعه آماری، و روش‌هایی است که در پژوهش استفاده می‌شود. گردآوری داده‌ها براساس استعاره‌های دو روزنامه کثیرالانتشار جناح اصول‌گرا، یعنی کیهان، و جناح اصلاح‌طلب، یعنی مردم‌سالاری، در ایران و دو روزنامه کثیرالانتشار حزب کارگر، یعنی میرر (Mirror)، و حزب محافظه‌کار، یعنی تلگراف، در انگلستان بوده است. هدف از این انتخاب از میان ده‌ها روزنامه نگرش ایدئولوژیک روزنامه‌هاست. به‌طوری‌که در ایران روزنامه کیهان منعکس‌کننده ایدئولوژی‌های جناح راست و اصول‌گرایان خواهد بود و روزنامه مردم‌سالاری منعکس‌کننده ایدئولوژی‌های جناح چپ و اصلاح‌طلبان است و در انگلستان روزنامه میرر، که به‌نام کلیسای بزرگ (Broad Church) نیز خوانده می‌شود، روزنامه‌ای سوسیالیست و چپ‌گراست و درست در نقطه مقابل روزنامه تلگراف قرار دارد که گرایش‌های لیبرال دموکرات و اصالتاً گرایش راست دارد و به‌نام توری (Torry) نیز خوانده می‌شود.

در انتخاب روزنامه‌ها سعی شد تا بازه زمانی‌ای انتخاب شود که نزاع‌ها و اختلافات حزبی به‌وضوح در احزاب جاری باشد و بنابراین گفتمان‌ها حامل بار ایدئولوژیک باشند. در همین زمینه در ایران متون سیاسی روزنامه‌ها در سال ۱۳۸۸ پس از درگیری‌های ریاست جمهوری مدنظر قرار گرفت و در انگلستان انتخاب متون در سال ۲۰۱۰ پس از پایان حاکمیت چندین‌ساله حزب کارگر بر اکثریت مجلس و تصدی حزب محافظه‌کار بر مجلس و دولت موردتوجه قرار گرفت.

تحلیل استعاره‌ها براساس دال‌های محوری هر جناح و درنظرگرفتن اصول مرکزی آن‌ها تحلیل شد. بدین صورت که طبق مطالعات انجام‌شده، گفتمان محافظه‌کاری حول دال مرکزی ولایت شکل می‌گیرد که دال‌های دیگری مانند روحانیت، ارزش‌ها، عدالت، تهاجم فرهنگی، و توسعه اقتصادی را در یک نظام معنایی خاص به هم مرتبط می‌کند و گفتمان اصلاح‌طلبی حول دال مردم شکل می‌گیرد که دال‌های دیگری مثل آزادی، جامعه مدنی، قانون‌گرایی، و توسعه سیاسی را در یک نظام معنایی ویژه به هم مرتبط می‌کند (سلطانی ۱۳۸۴: ۱۵۳-۱۵۴).

از اصول و دال‌های برجسته حزب کارگر می‌توان به توزیع ثروت و عدالت اجتماعی، خدمات اجتماعی، حمایت و تقویت طبقه کارگران در نظام کاپیتالیسم، و دخالت دولت در

امور اقتصادی، که همگی از طریق مالیات امکان‌پذیر خواهد شد، اشاره کرد. از اصول و دال‌های برجسته حزب محافظه‌کار می‌توان به تشویق به تجارت آزاد، کوشش‌ها، آزادی شخصی، مالیات کم، حفظ ارزش‌های فرهنگی، و درنهایت تأکید بر تقویت نیروی نظامی و دفاعی کشور اشاره کرد (Bale 2011: 12-22).

در این مطالعه با در نظر گرفتن دال‌ها و اهداف مشخص هر یک از احزاب سعی می‌شود تا مراحل تحلیل یعنی انتخاب، تفسیر، و تبیین استعاره‌ها با هدف‌مندی بیش‌تر پی‌گیری شود و هماهنگی میان ایدئولوژی‌های مذکور و انواع استعاره‌های مدنظر در متن برقرار شود.

تمامی مراحل انتخاب، تفسیر، تبیین، و تحلیل پژوهش حاضر فقط بر روی پنج حوزه مبدأ استعاری مشخص انجام شده است که براساس تحقیقات پیکره‌ای چارتریس بلک (Charteris-Black 2004: 69) این پنج حوزه مبدأ در مطالعات استعاره در زبان انگلیسی بیش‌ترین تناوب را داشته و حامل بیش‌ترین بار و رفتار استعاری بوده است. این پنج حوزه شامل استعاره‌های تنازع، استعاره‌های ساختمان، استعاره‌های سفر، استعاره‌های گیاهان، و استعاره‌های مذهبی است. هم‌چنین، در تحقیق حاضر، از تحلیل و بررسی مجدد استعاره‌ها و حوزه‌های مبدأ تکراری پرهیز شده است و فقط در شمارش استعاره‌ها در بخش تحلیل مورد توجه قرار گرفته‌اند. نکته درخور تأمل در این پژوهش تأکید بر تنوع در حوزه‌های مبدأ استعاری است تا تنوع استعاره‌ها با پرداختن به انواع حوزه‌های مبدأ نوع و چگونگی کاربرد آن مشخص شود که چگونه از یک سو احزاب مقابل و از سوی دیگر زبان‌های مختلف از استعاره‌های واحد به صورت متفاوتی به منظور بازنمایی و بازتولید ایدئولوژی‌های مدنظر خود استفاده می‌کنند.

۳. نمونه تحلیل در این پژوهش

حوزه مبدأ استعاری تنازع: «آن حریفان خبیث مخملی دیگر توان مقابله را نداشته، از این‌پس تنها به طبل فتنه‌گری خود می‌کوبند. این فتنه دیگر رنگی چنان سبز بر خود نخواهد دید. بر سربازان گم‌نام امام زمان است که صف مقدم را در این میدان دفاع از ولایت دست‌در دست هم یک‌پارچه ذیل بیانات و هدایات رهبری حمایت کنند. باشد که آن خبیثان زمان تیغ تیز اسلام را در این جنگ نرم تجربه کنند، اما این بار این تیغ بر گرده تمامی آنان و حامیان آنان یک‌جا فرود خواهد آمد تا عدالت خداوندی برقرار شود» (کیهان / جناح اصول‌گرا).

تحلیل استعاره، چنان‌که در سطور پیشین بدان اشاره شد، سه سطح دارد:

۱. توصیف استعاره یعنی شناسایی استعاره‌های زبانی که در متن بالا به صورت برجسته درآمده است؛

۲. تفسیر استعاره یعنی استخراج استعاره‌های مفهومی زیرساختی حاصل از استعاره‌های زبانی. استعاره مفهومی منتج از استعاره‌های بالا «سیاست به مثابه تنازع» است؛

۳. تبیین استعاره یعنی تحلیل از منظر زبان‌شناسی، کاربردشناسی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی.

به لحاظ تحلیل‌های شناختی مورد نظر لیکاف ما با دسته زیادی از استعاره‌های ساختاری مواجهیم، که در آن یک مفهوم پیچیده و انتزاعی بر حسب مفهوم دیگر و خصوصاً عینی‌تر به طور غیرمستقیم مفهوم‌سازی می‌شود. برای مثال، یک مواجهه سیاسی به مثابه جنگی تلقی شده است که در عناصر صف، تیر، حامیان، حریفان، سربازان، میدان دفاع، و غیره همگی مؤید همین نکته‌اند.

هم‌چنین در این گفتمان با استعاره‌های نظام‌مند مدنظر کامرون مواجهیم که مجموع‌هایی از استعاره‌های زبانی مرتبط شامل قالب‌بندی استعاره‌ها درباره موضوع و ایده اصلی را دارند. به عبارت دیگر، استعاره نظام‌مند شامل استعاره‌های زبانی به هم پیوسته است که درباره موضوع واحدی در رخداد گفتمانی به کار می‌روند. در این نمونه، با بسیاری از کلمات مواجهیم که همگی حول محور موضوع نزاع قرار دارند و مخالفت سیاسی با جناح مقابل را به جنگ تلقی می‌کنند.

در راستای تبیین اجتماعی انتقادی می‌توان از راه‌کارهای ایدئولوژیک و ندایک بهره جست که در زیر بدان‌ها اشاره شده است.

یکی از راه‌بردهای ایدئولوژیک در گفتمان فوق از منظر وندایک (Van Dijke 2000: 63-84) راه‌برد «مقوله‌بندی» است. در این راه‌برد، براساس روان‌شناسی اجتماعی افراد سعی می‌کنند یک‌دیگر را مقوله‌بندی کنند. گروه‌ها بعد از مقوله‌بندی دارای ویژگی‌های مثبت یا منفی می‌شوند. از نمونه‌های مقوله‌بندی در این گفتمان می‌توان به استعاره‌های «آن حریفان خبیث مخملی» و «سربازان گم‌نام امام زمان» اشاره کرد که دو صف را در مقابل هم به مثابه دو مقوله جداگانه قرار می‌دهد.

از دیگر راه‌بردهای ایدئولوژیک در گفتمان فوق از منظر وندایک راه‌برد «اجماع» (راه‌برد سیاسی) است.

در نهایت در گفتمان فوق می‌توان به راه‌برد ایدئولوژیک «بزرگ‌نمایی» اشاره کرد که براساس آن نوعی بزرگ‌نمایی به‌منظور نفع‌رساندن به فرد یا گروهی خاص استفاده می‌شود. مثلاً ورود هزاران پناهنده به‌مثابه فاجعه ملی است که ما قربانیان آن‌ایم (ibid.). در گفتمان فوق می‌توان به استعاره‌های «تیغ تیز اسلام را در این جنگ نرم تجربه کنند، اما این بار این تیغ بر گرده تمامی آنان و حامیان آنان یک جا فرود خواهد آمد» اشاره کرد.

۴. یافته‌های انتقادی تحقیق

۱.۴ ارزیابی سؤال پژوهش بر مبنای تحلیل داده‌ها

چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی از لحاظ زبان‌شناختی میان استعاره‌ها و استعاره‌های مفهومی به‌کاربرده‌شده در رسانه‌های احزاب مهم سیاسی ایران و انگلستان وجود دارد؟ در ابتدا لازم است تا مختصراً اقسام استعاره و تعبیر استعاره مفهومی لیکاف و سپس استعاره نظام‌مند کامرون مطرح شود تا برای بررسی فرضیه این مطالعه معیاری عینی در دست داشته باشیم:

الف) استعاره ساختاری: در یک نظام استعاری یک مفهوم پیچیده و انتزاعی برحسب مفهوم دیگر و خصوصاً عینی‌تر به‌طور غیرمستقیم و از طریق مثلاً کاربرد اقدام‌های بدن مفهوم‌سازی می‌شود و استعاره‌های ساختاری به‌صورت هم‌بستگی نظام‌مند در تجربه انسان نهفته‌اند. برای مثال، بحث یک جنگ است (discussion is a war) (بچشمون بالا گرفت/ داغ شد/ من شکستش دادم/ کم آورد/ برش غلبه کردم/ داری مقاومت الکی می‌کنی و...) در تمامی این موارد مفاهیم انتزاعی با کمک تجربیات عینی‌تر بیان می‌شوند و نکته درخور توجه برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی قسمت‌هایی از بحث از سوی شرکت‌کنندگان در بحث است. برای مثال، در نمونه ذکرشده موضوع تنازع برجسته شده و مسئله همکاری، که بخشی از جنگ است، به حاشیه رانده شده است (Lakoff and Johnson 1980: 61).

در روزنامه اصول‌گرای کیهان نمونه‌های مقابل را می‌توان مثال زد:

رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: برخی از رفتارهایی که در اردوگاه اصول‌گرایان انجام می‌شود تیراندازی سیاسی است و ... اگر کسی با قلم و یا سخن خود به

اختلافات دامن بزند باید بداند که در شطرنج حریف بازی می‌کند: امروز کشور نیازمند راه مستقیم و صراط ثابت است و اختلافات سلیقه‌ای نباید تبدیل به کدورت و تیراندازی سیاسی علیه یک‌دیگر شود، چراکه این‌ها مصلحت کشور نیست....

در روزنامه اصلاح طلب مردم‌سالاری نمونه‌های زیر را می‌توان مثال زد:

رئیس‌جمهوری روسیه با اظهارات اخیر خود در نمایش‌نامه‌ای ایفای نقش کرد که آمریکا نویسنده آن است، عواملی در داخل ایران با سناریوی پیچیده دشمن هماهنگ هستند. اکنون توپ در زمین غربی‌هاست و غرب باید در این زمینه در چهارچوب آزانس گام بردارد، عده‌ای بدون توجه به مسائل کشور در زمین دشمن بازی می‌کنند، اصول‌گرایان به یک‌دیگر تیراندازی سیاسی نکنند، کشورهای اصلی تحریم‌کننده بازنده اصلی جنگ اقتصادی هستند، نبرد رستم قانون با اسفندیار رحیم‌مشایی....

در روزنامه محافظه‌کار تلگراف نمونه‌های زیر را می‌توان مثال زد:

defend the fundamental right of parents to spend their money on their children's education.

building a new era of progress./foundations of political and social belief./construct from these crises the pillars of our history./the door to the moral and intellectual satisfactions.

foundation stone of a capital-owning democracy./We will continue our efforts to break down the barriers that prevent them from competing freely./An idea ennobled by the faith./So there can be no greater crusade for a modern center-left government.

در روزنامه میر، که طرف‌دار حزب کارگر است، نمونه‌های زیر را می‌توان مثال زد:

That is the only way that democracy can flourish. (mixed types+ontological+ structural)/they can confidently see a vision of a fair and just society./But families cannot flourish unless government plays its distinctive role./laid the foundation of a strong economy./also defend the agricultural environment./defend farmers and consumers./we will fight our wars against poverty, ignorance, and injustice.

ب) استعاره جهتی: در این نوع استعاره ساختار خطی و جهتی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، در این نوع استعاره نظام کلی مفاهیم برحسب مفاهیم دیگر سازمان‌دهی

تحلیل انتقادی استعاره: نمود نظام‌مند ایدئولوژی ۱۶۷

می‌شود و این استعاره با جهت‌گیری فضایی مرتبط است. مثلاً خوش‌حالی بالاست و غم پایین. چنین استعاره‌هایی اختیاری نیست، بلکه در تجربه فیزیکی و فرهنگی انسان ریشه دارد (ibid.: 45).

در روزنامه اصول‌گرای کیهان نمونه‌های زیر را می‌توان مثال زد:

دوباره آن هجمه به مقدسات فروکش کرد، امروز دشمنان جمهوری اسلامی در یک روند رو به ضعف و سراشیبی سقوط در حرکت هستند و از طرف دیگر نظام اسلامی ما علی‌رغم توطئه‌ها و تهدیدها در یک مسیر صعودی رو به جلو گام برمی‌دارد.

در روزنامه اصلاح‌طلب مردم‌سالاری نمونه‌های زیر را می‌توان مثال زد:

امپریالیسم آمریکا و جریان سرمایه‌داری جهانی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به سمت انسجام و سازمان‌دهی رفت، ظالمان دنیا در سرازیری سقوط قرار دارند، امروزه زنان و دختران ایرانی گوی سبقت را از مردان ربوده و اگر در زمان‌هایی جلوتر نباشند به‌طور قطع عقب‌تر نیستند.

در روزنامه محافظه‌کار تلگراف نمونه‌های زیر را می‌توان مثال زد:

Think of our world as it looks from the rocket that is heading toward Mars./We are all fellow passengers on a dot of earth./Great nations of the world are moving toward democracy through the door to freedom. Men and women of the world move toward free markets through the door to prosperity.

در روزنامه میرر نمونه‌های زیر را می‌توان مثال زد:

To these trusted public servants and to my family and those close friends of mine who have followed me down a long, winding road.

ج) استعاره وجودی (ontological metaphor): در این نوع استعاره یک شیء یا یک چیز بر چیزی دیگر، که به صورت ذاتی دارای آن حالات قبلی نیست، فرافکنده می‌شود. به عبارت دیگر، در این نوع استعاره تجربه انسان از اشیای فیزیکی اساس درک را فراهم می‌کند. بنابراین، درک تجربیات برحسب اشیا به انسان اجازه می‌دهد تا بخش‌هایی از تجربیات را انتخاب کند و با آن‌ها به‌منزله عناصر یا اشیای مستقل رفتار کند و رخ‌داده‌ها، فعالیت‌ها، عواطف، عقاید، و غیره را به‌متابئه موجود و اشیا در نظر بگیرد. مثلاً تورم یک موجود است. نمونه‌هایی از استعاره وجودی در فارسی عبارت‌اند از مشکلات کمرش را خرد کرد و او خیلی کله‌گنده است (ibid.: 90).

در روزنامه اصول‌گرای کیهان نمونه‌های زیر را می‌توان مثال زد:

تار عنکبوت تحریم با کوچک‌ترین نسیم پاره می‌شود، صدای شکستن استخوان مارکسیسم به گوش می‌رسد، بدون تردید دانشگاه‌ها به‌عنوان قلب تپنده جامعه، منشأ بسیاری از تحولات سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی بوده‌اند.

در روزنامه اصلاح‌طلب مردم‌سالاری نمونه‌های زیر را می‌توان مثال زد:

ظلم و بی‌عدالتی مثل یک ویروس است که اگر جلوی آن نایستیم گسترش پیدا می‌کند، پیش‌رفت در این عرصه به‌منزله لوکوموتیوی است که همه صنعت کشور را پشت سر خود به حرکت درمی‌آورد، نهال انقلاب اسلامی امروز به شجره طیبه‌ای تبدیل شده و ایران با طراوت تمام درحال رشد و پیش‌رفت است، صنایع در اقتصاد کلان کشور نقش یک ناجی را بازی می‌کند.

در روزنامه محافظه‌کار تلگراف نمونه‌های زیر را می‌توان مثال زد:

Let us accept that high responsibility not as a burden/ As we want small businesses to flourish./the family and the individual to flourish. (Conservative/ telegraph) (mixed types+ ontological+ structural). /More realistic attitudes to profit and investment take root (Conservative/ telegraph) mixed types+ onto+ struct)./A spring reborn in the world's oldest democracy

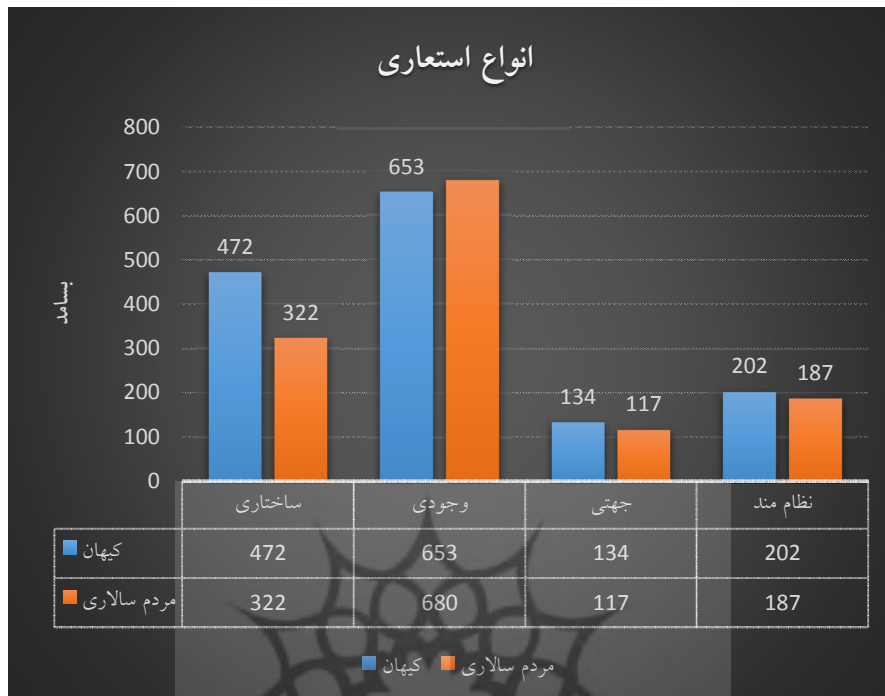
در روزنامه میرر نمونه‌های زیر را می‌توان مثال زد:

Labour will create a new framework./ government, can undertake this mission alone./we will introduce new legislation to help forwardour plans for a radical extension of industrial, (mixed types+ontological+orientational)/this country looksforward to an area of real prosperity and innovation is to flourish.

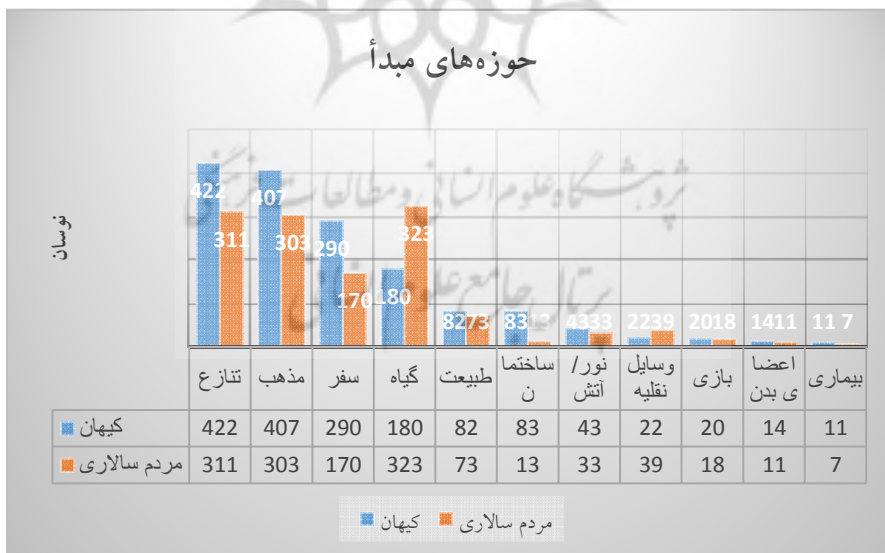
د) استعاره نظام‌مند (systematic metaphor): این نوع استعاره را کامرون (Cameron

1999: 109-114) در نظریه استعاره گفتمانی مطرح کرده است که به بررسی و مطالعه استعاره در سطح گفتمان می‌پردازد. استعاره نظام‌مند مجموعه‌ای از استعاره‌های زبانی مرتبط شامل قالب‌بندی استعاره‌ها درباره موضوع و ایده اصلی است.

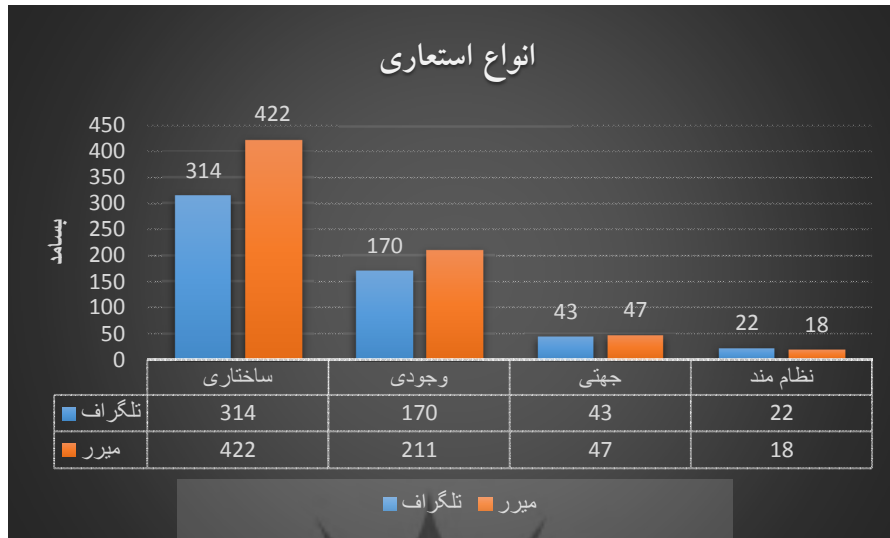
بی‌تردید باید گفت، جامعه بی‌اخلاق و بداخلاق کشت‌زار شیطان است و بذر گناه و بی‌ایمانی در چنین جامعه‌ای به‌بار می‌نشیند و قد می‌کشد. جامعه تهی دست از فضیلت‌های اخلاقی بستر مناسبی برای به‌برگ‌وبار نشستن بذر وسواس شیطانی و خواهش‌های نفسانی است. از همین رو شاعرانی که در مکتب انسان‌ساز... (کیهان / جناح اصول‌گرا).



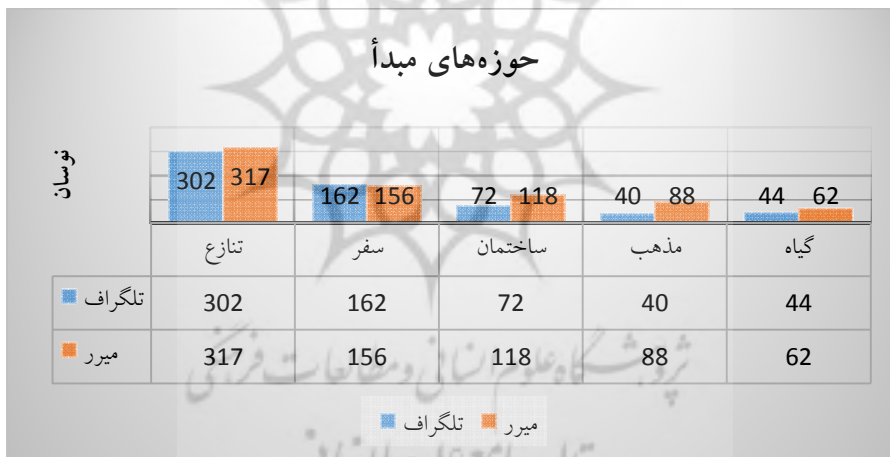
نمودار ۱. انواع استعاره‌های ساختاری، وجودی، جهتی، و نظام‌مند در روزنامه‌های کیهان و مردم‌سالاری



نمودار ۲. کاربرد حوزه‌های مبدأ در روزنامه‌های کیهان و مردم‌سالاری



نمودار ۳. انواع استعاره‌های ساختاری، وجودی، جهت‌ی، و نظام‌مند در روزنامه‌های تلگراف و میرر



نمودار ۴. کاربرد حوزه‌های مبدأ در روزنامه‌های تلگراف و میرر

نگاهی به نمودار کاربرد استعاره‌ها در زبان فارسی و حوزه‌های مبدأ آن‌ها نشان می‌دهد:

- روزنامه‌های کیهان و مردم‌سالاری حوزه‌های مبدأ استعاری تنازع، مذهب، سفر، گیاه، طبیعت، نور/آتش، وسایل نقلیه، بازی، اعضای بدن، و بیماری را مفهوم‌سازی کردند.
- بسامد کاربرد انواع استعاره‌ها در روزنامه‌های کیهان و مردم‌سالاری بدین صورت بود که استعاره‌های وجودی، ساختاری، نظام‌مند، و جهت‌ی به‌ترتیب بیش‌ترین تواتر استفاده

را داشتند. یعنی استعاره‌های وجودی بیش‌تر از همه و استعاره‌های جهتی کم‌تر از همه استفاده شدند.

- روزنامه‌کپهان در سه نوع ساختاری، جهتی، و نظام‌مند تواتر بیش‌تری در مقایسه با انواع استعاره‌ها نشان داد و روزنامه‌مردم‌سالاری از استعاره‌ وجودی بیش‌تری استفاده کرد. حوزه‌های مبدأ تنازع، مذهب، سفر، و گیاه به‌ترتیب از بیش‌ترین به کم‌ترین، تقریباً ۷۰ درصد بسامد، کل حوزه‌ها را به خود اختصاص دادند و حوزه‌های طبیعت، ساختمان، نور/آتش، وسایل نقلیه، بازی، اعضای بدن، و بیماری به‌ترتیب مابقی بسامد کاربرد را تشکیل دادند.

- روزنامه‌کپهان با استفاده بیش‌تر از حوزه‌مبدأ مذهب با دال مرکزی خود، که بر مبنای پای‌بندی به اصول اسلامی و مذهبی بود، نسبتی معنادار برقرار کرد.

نگاهی به نمودار کاربرد استعاره‌ها در زبان انگلیسی و حوزه‌های مبدأ آن‌ها نشان می‌دهد: - هر دو روزنامه‌میرر و تلگراف از تمامی استعاره‌های ساختاری، وجودی، جهتی، و نظام‌مند استفاده کردند. در این میان، استعاره‌های ساختاری بیش‌ترین و استعاره‌های نظام‌مند کم‌ترین تواتر را داشتند. روزنامه‌میرر تقریباً در تمامی موارد، به‌جز استعاره‌های نظام‌مند، تعداد بیش‌تری از استعاره‌ها را در انواع ساختاری، وجودی، و جهتی به خود اختصاص داد. - در هر دو روزنامه‌تلگراف و میرر با نوعی از استعاره به نام آمیخته مواجه بودیم که در آن‌ها هم ویژگی‌های نوع ساختاری و هم ویژگی‌های نوع وجودی را مشاهده کردیم. هم‌چنین با نوع آمیخته وجودی و جهتی برخورد کردیم. گفتنی است، نوع استعاری آمیخته در حوزه‌مبدأ گیاهان بیش‌تر از دیگر حوزه‌ها مشاهده شد.

- روزنامه‌میرر با بسامد تقریبی ۷۰۰ استعاره به نسبت روزنامه‌تلگراف با بسامد تقریبی ۵۵۰ استعاره، از بیش‌تری استعاره استفاده کرده است.

- هر دو روزنامه‌تلگراف و میرر به‌ترتیب از حوزه‌های مبدأ تنازع، سفر، ساختمان، مذهب، و گیاه استفاده کردند. در این میان، حوزه‌تنازع بیش‌ترین بسامد و حوزه‌گیاه کم‌ترین بسامد تکرار را داشت.

- روزنامه‌میرر تقریباً در تمامی حوزه‌ها، به‌جز سفر، بسامد تکرار بالاتری داشت.

- شدت استفاده از حوزه‌ها در این دو روزنامه در قسمت حوزه‌تنازع و سفر تقریباً با تفاوت ملایم هم‌راه بود. حال آن‌که، در حوزه‌ساختمان و مذهب روزنامه‌میرر از تعداد بیش‌تری با تفاوت چشم‌گیرتری استفاده کرد. کلماتی که استفاده از استعاره‌مذهب را نشان می‌دادند کلماتی از قبیل vision به‌معنای بصیرت و faith به‌معنای ایمان و غیره بودند.

- هر دو روزنامه تقریباً با بسامد مشابه از تنازع استفاده کردند، اما روزنامه میرر هنگام استفاده از حوزه تنازع از کلماتی با ماهیت معنایی حمله بیش‌تر استفاده کرد. حال آن‌که، حزب محافظه‌کار یعنی روزنامه تلگراف در حوزه تنازع از کلماتی با معنایی دفاعی استفاده کرد و همواره خود را در تکاپوی دفاع از ارزش‌هایی می‌دید که از سوی حزب کارگر مورد حمله قرار گرفته است.

- درباره استعاره ساختمان باید این نکته ذکر شود که این حوزه مبدأ تقریباً یک‌چهارم استعاره‌های احزاب کارگر و محافظه‌کار انگلستان را تشکیل می‌داد. استعاره‌های این حوزه مبدأ از آن‌جاکه تمایل به نائل شدن به اهداف اجتماعی را نشان می‌دهند حامل بار مثبت بسیار قوی‌اند و شاید به همین دلیل باشد که این استعاره‌ها تقریباً به صورت مشابهی در این دو حزب به کار برده شده‌اند. استعاره‌های ساختمان همواره بدان منظور به کار برده شده‌اند تا نشان دهند که سیاست مورد نظر با پایه و اساس مستحکم، دائمی، و باثبات بنا نهاده شده است.

بیش‌ترین میزان اختلاف میان استعاره ساختمان میان دو حزب کارگر و محافظه‌کار در این پیکره در کاربرد استعاره موانع است نه چهارچوب یا پی. تواتر استفاده استعاره موانع در حزب محافظه‌کار دوبرابر حزب کارگر است. دلیل این امر را می‌توان در سیاست و ایدئولوژی «لیز فر» (Laissez-Faire) یعنی سیاست عدم دخالت دولت در امور اقتصادی حزب محافظه‌کار دانست که در آن این حزب سعی دارد تا مفهوم لیز فر را به مفهوم آزادی مرتبط کند. بنابراین، استعاره موانع موقعیتی را برای حزب محافظه‌کار فراهم می‌کند که در آن حزب کارگر را مانعی در راه آزادی و سیاست عدم دخالت دولت در امور اقتصادی نشان دهد. در گفتمان محافظه‌کار به بیماری‌های اجتماعی مستقیماً حمله برده نمی‌شود، بلکه تلاش در برداشتن موانعی‌ای است که حزب کارگر به‌منزله سیاست بر سر راه اهداف اجتماعی قرار داد و در آن سیاست‌های حزب کارگر به‌منزله بیماری‌های اجتماعی تلقی می‌شود.

درباره استعاره سفر باید گفت، این استعاره را هر دو حزب نسبتاً مشابه به کار برده‌اند. تنها تفاوت استفاده از این کلمات اختلاف میان وجه زمان و فضا در این دو پیکره است. بدین صورت که استعاره‌های حزب کارگر در این حوزه معمولاً فضایی‌اند و حرکت رو به جلو یعنی کلمه forward با کلمات bring به معنای آوردن و put, move به ترتیب به معنای گذاشتن و حرکت کردن همراه است. اما در پیکره حزب محافظه‌کار استعاره‌ها در این حوزه به وجه زمانی تمایل داشته‌اند و بنابراین کلمه forward با مفاهیم حرکت در زمان همراه بوده تا حرکت در مکان.

از دیگر مواردی که در آن از استعاره مفهومی واحدی برای اهداف سیاسی حزبی متفاوت استفاده شده است می‌توان به کلیدواژه *burden* به معنای بار اشاره کرد. در استعاره سفر مانند استعاره ساختمان براساس دانش دایرةالمعارفی خود می‌دانیم که در سفر ما به صبر و شکیبایی نیاز داریم و به دلیل این که ما با خود باری را حمل می‌کنیم و موفقیت به زودی قابل حصول نیست و از آن جاکه عاملی بر سر راه رسیدن به هدف و مقصد ایجاد شده است، براساس دانش خود می‌دانیم که چنین بار یا مانعی قضاوت ارزشی مثبت ندارد و باید از سر راه برداشته شود. طبق گفته‌های اد میلبند (Ed Miliband)، رهبر این حزب در روزنامه میرر حزب کارگر (5: 2015)، از جمله مواردی که برای این حزب به مثابه بار می‌شمارد، عوامل اجتماعی از قبیل بی‌کاری، دست‌مزد پایین، فقر، بدهی‌های جهان سوم، ترس از آینده، و دفاع است. با وجود این، در متون حزب محافظه‌کار یگانه عامل بار و مانع اهداف اجتماعی مالیات بر درآمد است و فقط شرکت‌های کوچک، کمپانی‌ها، و کسب‌وکارها این بار را بر دوش می‌کشند. بنابراین، هم‌چنان که کاربرد استعاره‌ها نشان می‌دهد، حزب محافظه‌کار گرایش‌های بیزینسی و کسب‌وکاری دارد و حزب کارگر گرایش‌های اجتماعی. این نکته باید مدنظر قرار گیرد که گرچه استعاره‌ها قراردادی شده‌اند و احتمالاً در سطح ناخودآگاه به کار می‌روند، اما کلمات باهم‌آیی یعنی کلماتی که با این استعاره‌ها هم‌راه‌اند، به خوبی بیان‌گر این امر و بار قضاوتی هم‌راه آن‌ها هستند.

در این قسمت ما دیدیم که اگرچه استعاره‌های سفر می‌توانند حامل بار ارزشی مثبت (*step, forward, harness ...*) و بار ارزشی منفی (*burden*) باشند، تفاوت‌های ظریفی از وجه استعاره‌های شناختی زیرین به منظور رسیدن به اهداف متفاوت وجود دارد. درباره استعاره گیاه باید خاطر نشان کرد که بسیاری از این استعاره‌ها ذیل استعاره قراردادی *growth* به معنای رشد قابل تقسیم‌بندی و تبیین‌اند و در بافت گفتمانی دو حزب به‌هنگام گفت‌وگو درباره گسترش اقتصادی یک‌سان به کار رفته‌اند.

در تحلیل بافت‌های استعاره گیاه در پیکره مورد مطالعه این نکته مشخص شد که حوزه مبدأ *flourish* به معنای شکوفاشدن، که با ارزیابی مثبتی نیز هم‌راه است، به صورت مشابه از سوی هر دو حزب به کار برده شد و نقطه تفاوت فقط عاملیت این شکوفایی بود که از طریق احزاب با توجه به ایدئولوژی و ارزش‌های هر حزب به پدیده‌های متفاوتی نسبت داده شد.

در همه نمونه‌ها در هر دو حزب با استفاده از استعاره واحد *flourish* عناصر اجتماعی برجسته و اولویت داده شده‌اند، اما هر حزب آن دسته‌ای از عناصر اجتماعی را مورد توجه

قرار داد که از اصول و عقاید آن حزب به حساب می‌آید. برخی از نمونه‌ها در هر دو حزب یک‌سان‌اند؛ مانند families به معنای خانواده‌ها، اما برخی از عناصر مختص هر حزب به‌شمار می‌آیند و با توجه به اصول زیربنایی آن حزب مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ مانند business در حزب محافظه‌کار و دموکراسی در حزب کارگر.

نتایج به دست آمده از مقایسه روزنامه‌های انگلیسی‌زبان تلگراف، نماینده حزب محافظه‌کار، و میرر، نماینده حزب کارگر، این است که هر دو حزب از استعاره‌های مشابهی از وجه انتخاب و تواتر استفاده کرده‌اند. بنابراین، می‌توان از استعاره‌های قراردادی شده سیاست صحبت کرد، نه استعاره‌های حزبی و خاص. از وجه تواتر نیز تقریباً هر ۱۲۰ کلمه یک‌بار در پیکره حزب کارگر و هر ۱۲۷ کلمه یک‌بار در حزب محافظه‌کار از استعاره استفاده شده است و گرچه استعاره‌ها مشابه بودند، رفتار و کارکرد متفاوتی از خود نشان می‌دادند. برای مثال، گروهی از استعاره‌های مرتبط با مفاهیم حمله و دفاع، که در حوزه تنازع بودند، به خوبی بیان‌گر این تفاوت‌ها هستند. حزب کارگر اغلب با استفاده از استعاره‌های حمله اهداف سیاسی را مفهوم‌سازی می‌کند. یکی از این تفاوت‌ها را می‌توان به صورت زیر نشان داد. برای مثال، این حزب اغلب به بیماری‌های اجتماعی حمله می‌کند یا می‌جنگد.

Attack on a social ill (Labour/ Mirror)

Economic success is not an end in itself, for the Labour party, prosperity and fairness march hand in hand on the road to a better Britain. During the next parliament, we intend to continue our fight against all form of social injustice.

We will fight against crime and violence which affects all western societies... At the same time. We shall attack the social deprivation which allows crime to flourish.

(ترجمه) رویارویی با مشکلات اجتماعی (میرر/ حزب کارگر)

برای حزب کارگر موفقیت اقتصادی به خودی خود یک هدف نیست. رفاه و عدالت دست‌در دست یک‌دیگر در مسیر یک بریتانیای بهتر پیش می‌روند. در دوره پارلمان بعدی ما به مبارزه علیه تمامی اقسام ناعدالتی‌های اجتماعی ادامه خواهیم داد.

ما با جنایت و خشونت که همه جوامع غربی را تحت تأثیر قرار می‌دهد خواهیم جنگید... در همین حال، ما با محرومیت‌های اجتماعی که زمینه‌ساز رشد جرم و جنایت‌اند، مبارزه خواهیم کرد.

بررسی باهم‌آیی‌ها در پیکره این پژوهش نشان می‌دهد که تمامی موارد استفاده واژه fight به معنای جنگیدن در حزب کارگر به همراه واژه against به معنای علیه بوده است. این امر نشان می‌دهد که کشمکش‌های سیاسی در این حزب از وجه حمله به رفتارهای اجتماعی منفی تلقی شده است.

اما در حزب محافظه‌کار بررسی تحلیل با هم‌آیی‌های واژه fight نشان می‌دهد که موارد استفاده آن‌ها به واژه fighting for به معنای «جنگیدن برای» محدود می‌شود. این امر حاکی است که حزب محافظه‌کار برای اهداف اجتماعی مثبت می‌جنگد یا در مقابل اهداف منفی مقاومت می‌کند. بنابراین، کشمکش‌های سیاسی از وجه دفاع تعریف می‌شود.

Defense of a social value (conservative/ Telegraph)

We have to compete to win. that means a constant fight to keep tight control over public spending and enable Britain to remain the lowest taxed major economy in Europe. It means a continuing fight to keep burdens off business.

We will continue to fight for free and fair trade in international negotiations.

(ترجمه) دفاع از ارزش‌های اجتماعی (تلگراف/ حزب محافظه‌کار)

برای برنده شدن باید رقابت کنیم. این بدین معنی است که مبارزه‌ای همیشگی برای حفظ کنترل بر هزینه‌های اجتماعی سبب خواهد شد بریتانیا اقتصادی عمده در اروپا با کم‌ترین میزان مالیات خواهد بود و این یعنی ادامه مبارزه برای برداشتن موانع از سر راه تجارت.

ما به مبارزه برای تجارت آزاد و عادلانه در مذاکرات بین‌المللی ادامه خواهیم داد.

نتیجه این تحلیل بر الگوهای با هم‌آیی به‌طور ضمنی بیان‌گر آن است که واژه fight در حزب محافظه‌کار استعاره دفاعی تلقی می‌شود که مدافع امری ارزش‌مند است که از جانب حزب کارگر تحدید می‌شود.

واژه attack به معنای حمله در پیکره حزب محافظه‌کار کم‌تر از حزب کارگر به کار رفته است، ۶ مرتبه در مقابل ۲۸ مرتبه، و در آن ۶ مرتبه نیز عمدتاً به معنای اعمال حزب کارگر بوده نه خود حزب. برای نمونه، در مثال زیر داریم:

Attack on a social virtue that is under threat (conservative/ Telegraph)

And certainly our economic condition is far too grave for our country to be subjected to a divisive and dogmatic attack upon the private enterprise sector of our economy.

(ترجمه) حمله به یک فضیلت اجتماعی که مورد تهدید است (تلگراف/ حزب محافظه‌کار) و قطعاً موقعیت اجتماعی ما برای کشورمان بسیار سخت‌تر از آن است که در رویارویی با یک هجوم تفرقه‌انداز و متعصبانه به بخش تجارت خصوصی کشور قرار گیرد.

بنابراین، استفاده از استعاره حمله از سوی حزب محافظه‌کار فقط به منظور متجاوز نشان دادن حزب کارگر است و از دلایل حمایت‌کننده این برداشت می‌توان به استفاده بیش‌تر حزب کارگر از واژه attack به معنای حمله اشاره کرد. استفاده دو حزب از استعاره‌های حمله و جنگیدن نشان می‌دهد، درحالی‌که حزب کارگر رسالت خود را حمله به بیماری‌های اجتماعی می‌داند، حزب محافظه‌کار اهداف خود را محافظت و دفاع از اموری می‌داند که مورد حمله واقع شده‌اند.

درحقیقت این اختلاف در مفهوم‌سازی را می‌توان بازگوکننده مواضع متفاوت این دو حزب در مقابل مداخله و تغییر دانست. حزب کارگر خواهان اقدام برای تغییر و تداخل در امور است تا در مقابل بیماری‌های اجتماعی مقابله کند. درحالی‌که حزب محافظه‌کار با تغییر و مداخله در امور مخالف است و با شعار همیشگی این حزب یعنی لیز فر به معنای سیاست عدم‌مداخله دولت در امور اقتصادی هماهنگی دارد. توجه به مفهوم واژه محافظه‌کاری نیز رسانای همین سیاست و طرز تفکر دفاع از امور تحت هجوم و نگه‌داشتن وضعیت موجود است. هر دو حزب از حوزه مبدأ یک‌سان تنازع برای ساختن و نمایاندن افکار و اعمال اجتماعی و سیاسی خود از طریق استعاره‌ها استفاده کرده‌اند، اما معنای مورداراده دو حزب از این کلمه متفاوت است و تفاوت‌های ایدئولوژیک این دو حزب را نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که انتخاب استعاره را نظام‌های اعتقادی و ارزشی تعیین کرده‌اند و شناسایی و تحلیل این استعاره‌ها نقش به‌سزایی در مشخص کردن کارکرد متقاعدکننده در استفاده استعاره‌ها دارد.

۵. نتیجه‌گیری

مقایسه تحلیلی روزنامه‌های فارسی‌زبان و انگلیسی‌زبان نشان می‌دهد که روزنامه‌های فارسی‌زبان از استعاره‌های بیش‌تری در مقایسه با روزنامه‌های انگلیسی‌زبان استفاده کردند. در زبان فارسی در مجموع تعداد ۲۷۰۰ استعاره استفاده شد، درحالی‌که تعداد کل استعاره‌های زبان انگلیسی در هر دو روزنامه ۱۲۵۰ بود.

در زبان فارسی از حوزه مبدأ بسیار بیش‌تری در مقایسه با زبان انگلیسی استفاده شد. زبان فارسی از ۱۱ حوزه و زبان انگلیسی در مجموع از ۵ حوزه استفاده کرد.

در زبان فارسی تقریباً همواره از استعاره‌های روایتی یا نظام‌مند استفاده شده است، بدین معنا که ما با مجموع‌هایی از استعاره‌ها، که حول یک موضوع خاص مطرح می‌شدند و به هم به صورت داستان‌وار وابسته بودند، مواجه بودیم. حال آن‌که در زبان انگلیسی اغلب استعاره‌ها مجزا از هم عمل می‌کردند و ارتباط روایت‌گونه خاصی با هم نداشتند.

گرچه هدف مطالعه فقط بررسی پنج حوزه مبدأ استعاری بود، اما به دلیل استفاده بسیار زیاد استعاره‌های نظام‌مند در متون فارسی و باهم‌آیی این پنج حوزه با حوزه‌های استعاری فقط به ذکر این باهم‌آیی‌ها در تحلیل پرداختیم و جزئیات تحلیل شامل انتخاب، تفسیر، و تبیین را به همان پنج حوزه اصلی محدود کردیم.

در زبان فارسی به صورت معناداری از حوزه مبدأ مذهب بیش‌تر استفاده شد که می‌تواند حاکی از مذهبی‌بودن بافت اجتماعی یا رسانه‌ای روزنامه‌های ایران باشد. رابطه و باهم‌آیی تنازع با مذهب در استعاره‌های متون فارسی زبان بسیار برجسته بود.

هرگاه در زبان فارسی از استعاره ساختمان استفاده شد ما تقریباً همواره با مفهوم ویران‌کردن و مفهوم ترس از خرابی و ازبین‌رفتن مواجه بودیم، حال آن‌که در روزنامه‌های زبان انگلیسی ما در حوزه مبدأ ساختمان با مفهوم ساختن، بناکردن، یا پایه‌ای‌بودن و محکم‌بودن عقاید سروکار داشتیم.

تعداد استعاره‌های وجودی در زبان فارسی و استعاره‌های ساختاری در زبان انگلیسی بیش‌ترین بسامد و تکرار را در پیکره مورد مطالعه تشکیل داد. استفاده بیش‌تر نوع استعاره‌ای ساختاری در زبان انگلیسی مطابق با مطالعات پیشین لیکاف در زبان انگلیسی است.

در هر دو زبان از حوزه تنازع بیش‌ترین استفاده شد و بلافاصله پس‌از آن در زبان فارسی از حوزه مذهب و در زبان انگلیسی از حوزه سفر بیش‌ترین استفاده و مفهوم‌سازی اتفاق افتاده بود.

در زبان فارسی از حوزه گیاه و طبیعت به صورت معناداری بیش‌تر استفاده شد و به همین نسبت در زبان انگلیسی از حوزه مذهب به صورت درخور توجهی کم‌تر استفاده شد.

زبان فارسی تنوع حوزه‌ای بیش‌تری داشت، اما باید بدین نکته توجه شود که زبان فارسی مانند زبان انگلیسی تقریباً ۹۰ درصد با محوریت همان ۵ حوزه مشترک یعنی تنازع، سفر، مذهب، ساختمان، و گیاه به مفهوم‌سازی پرداخت که هم‌گام با مطالعات پیشین فصل

مشترکی میان انواع حوزه‌های زبان انگلیسی و فارسی تلقی می‌شود و استعاره‌ها بر مبنای محیط فیزیکی و بلافصل مفهوم‌سازی می‌شوند.

رابطه و باهم‌آیی تنازع با مذهب در استعاره‌های متون فارسی‌زبان بسیار برجسته بود.

به‌طور کلی، در استعاره‌های متون زبان فارسی ما بیش‌تر با مفهوم دفاع از دشمن همیشه‌حاضر سروکار داشتیم چه دشمنان خارجی و چه دشمنان داخلی و در متون زبان انگلیسی نیز محافظه‌کارها همین ویژگی را در مقابل حزب کارگر داشتند، یعنی حزب کارگر را دشمن خود تلقی می‌کردند، اما از دشمن خارجی حرفی به‌میان نیامد.

شاید بتوان این تفاوت‌ها میان استعاره‌های زبان‌های فارسی و انگلیسی را تا اندازه‌ای با همان موضوعی تبیین کرد که چارتریس بلک بر مبنای تأثیر بافت و موقعیت تاریخی در نظر می‌گیرد؛ یعنی آن‌که دلیل استفاده کم‌گفتمان‌های زبان فارسی از استعاره ساختمان و استفاده بیش‌تر از استعاره تنازع و به‌عکس در زبان انگلیسی دوری یا نزدیکی زمانی به حوادث تاریخی از قبیل جنگ باشد. به‌لحاظ تاریخی ایران در مقایسه با انگلستان فاصله زمانی کم‌تری تا آخرین جنگ خود داشته و از استعاره‌های تنازع بیش‌تر استفاده می‌کند. بنابراین، این حادثه تاریخی تأثیر خود را در استعاره‌ها و به‌صورت عام در گفتمان‌های این زبان نمود داده است و به همین صورت استفاده بیش‌تر گفتمان‌های زبان انگلیسی از استعاره ساختمان توجیه خواهد شد.

بر اساس یافته‌های هو، دلیل مشابهت بالا در استفاده از حوزه‌های استعاری میان زبان‌ها را می‌توان با این حقیقت تبیین کرد که انگیزه تمامی کسانی که از استعاره استفاده می‌کنند این است که با تمسک و به‌کارگیری حوزه‌های آشنای تجارب شخصی و فعالیت‌های اجتماعی زمینه مشترکی را با مخاطبان برای برقراری ارتباط، انتقال پیام، و متقاعدسازی فراهم کنند. بنابراین، چه در روزنامه‌های انگلیسی‌زبان و چه متون تحلیل‌شده در زبان فارسی با کاربرد بسیار زیاد استعاره در حوزه‌های مبدأ «تنازع، مذهب، ساختمان، سفر، و گیاه» مواجهیم.

گفتنی است، متخصصان بسامد استفاده از استعاره‌ها و حوزه‌های مبدأ را با حوادث محیطی، جغرافیایی، و طبیعی یا به‌عبارت‌دیگر با بافت به‌شدت هم‌بسته می‌دانند. برای مثال، استفاده از استعاره‌های تنازع در رسانه‌های انگلیسی‌زبان پس از جنگ جهانی و نزاع‌های مدنی به‌شدت افزایش یافت و دست‌خوش تغییر شد.

در نهایت از تفاوت‌های بسیار مشخص و محرز میان زبان فارسی و انگلیسی در قالب‌بندی ساختار استعاری به‌منظور متقاعدکردن و انتقال ایدئولوژی خود این بود که تقریباً

همواره استعاره‌ها در حوزه‌های مختلف به صورت تلفیقی آمدند؛ یعنی آن‌که ما در زبان فارسی با پدیده ادغام حوزه‌ای مواجه بودیم. برای مثال، تقریباً همواره حوزه مبدأ تنازع در استعاره‌ها به همراه دیگر حوزه‌ها می‌آمد و به صورت مطلق حوزه مذهب هیچ‌گاه تنها ظاهر نشد و با همراهی دیگر حوزه‌ها در یک مجموع استعاره واحد واقع شد که به صورت هم‌بسته، روایت‌گونه، و نظام‌مند ایفای نقش می‌کردند. این ویژگی یعنی ادغام حوزه‌ها در انگلیسی بسیار کم‌تر مشاهده شد.

پس از تحلیل این روزنامه‌ها و در راستای اهداف این پژوهش، ویژگی‌های استعاره‌های به‌کاربرده‌شده در این روزنامه‌ها از وجه حوزه‌های مبدأ و هم‌چنین انواع استعاره‌های جهت‌ی، وجودی، و ساختاری لیکاف، و استعاره نظام‌مند کامرون مشخص شد. هم‌چنین معلوم شد که چگونه احزاب متفاوت واقعیت سیاسی یک‌سانی را به دلیل شرایط ایدئولوژیک متضاد به صورت متفاوتی مفهوم‌سازی می‌کنند و از استعاره‌ها برای متقاعد کردن مخاطب و انتقال ایدئولوژی خود استفاده می‌کنند. بنابراین، این تحلیل در روشن کردن روابط پنهان قدرت گامی بسیار مؤثر بود.

کتاب‌نامه

سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۴)، *قدرت، گفتمان و زبان؛ سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر نی.

Bale, Tim. (2011), *The Conservative Party: From Thatcher to Cameron*, Polity Press.

Blommaert, J. (2005), *Discourse*, Cambridge: Cambridge University Press.

Cameron, L. (2008), "A Discourse Approach to Metaphor: Explaining systematic Metaphors for Literacy Processes in a School Discourse Community", in: *Language in the Context of Use: Discourse and Cognitive Approaches to Language*, Andrea Tyler, Yiyoun Kim, and Mari Takada (eds.).

Cameron, L. and G. Low (1999), *Researching and Applying Metaphor*, Cambridge: Cambridge University Press.

Cameron, L. (2003), *Metaphor in Educational Discourse*, London: Continuum.

Cameron, L. (2007), "Patterns of Metaphor use in Reconciliation Talk", *Discourse & Society*, vol. 18, no. 2.

Charteris-Black, J. (2004), *Corpus Approaches to Critical Metaphor Analysis*, New York: Palgrave-MacMillan.

Fairclough, N. (1989), *Language and Power*, London: Longman.

- Fairclough, N. (2013), *Critical Discourse Analysis: the Critical Study of Language*, London: Routledge.
- Gee, J. (2004), *Discourse Analysis: Theory and Method*, London: Routledge.
- Graham, P. (2002), "Space and Cyberspace: On the Enclosure of Consciousness", in: *Living with Cyberspace: Technology & Society in the 21st Century*, J. Armitage and J. Roberts (eds.).
- Howe, N. (1988), "Metaphor in Contemporary American Political Discourse", *Metaphor and Symbol*, vol. 3, no. 2.
- Lakoff, G. and M. Johnson (1980), *Metaphors We Live by*, Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. and M. Johnson (1999), *Philosophy in the Flesh: the Embodied Mind and its Challenge to Western Thought*, New York: Basic Books.
- Lemke, J. (2003), "Texts and Discourses in the Technologies of Social Organization", in: *Critical Discourse Analysis: Theory and Interdisciplinary*, G. Weiss and R. Wodak (eds.), New York: Palgrave Macmillan: <http://dx.doi.org/10.1057/9780230288423_7>.
- Martin, J. R. (2002), "Voicing the 'other': Reading and Writing Indigenous Australians", *Critical Discourse Analysis: Theory and Interdisciplinary*, G. Weiss and R. Wodak (eds.).
- Santa Ana, O. (2002), *Brown Tide Rising: Metaphors of Latinos in Contemporary American Discourse*, Austin: University of Texas Press.
- van Dijk, T. A. (1993), "Principles of Critical Discourse Analysis", *Discourse & Society*.
- van Dijk, T. A. (2001), "Critical Discourse Analysis", *The Handbook of Discourse Analysis*.
- van Dijk, T. A. (2003), "The Discourse-Knowledge Interface", in: *Critical Discourse Analysis: Theory and Interdisciplinary*, G. Weiss and R. Wodak (eds.), Palgrave: Macmillan
- Wei, Li1 (2016), "Rethinking Critical Discourse Analysis", *International Journal of English Linguistics*, vol. 6, no. 2.